

بسم الله الرحمن الرحيم

## اثبات وجود حضرت رقیه سلام الله علیها از منظر تاریخ و عقل

\*نویسنده : فاطمه السادات آذرسا \*

### چکیده

این مقاله به انگیزه دفاع از کوچکترین دختر امام حسین علیه السلام یعنی حضرت رقیه سلام الله علیها نوشته شده است. در پی شبھه افکنی برخی مغرضان درباره بارگاهی که در قلب دمشق میلیون ها دل سوخته در غمش را به سوی خود می کشاند، و با دستان کوچکشان حاجت های بزرگ را روا می کند مقاله حاضر توانسته مدارکی در تاریخچه آن حضرت و حضور او در مصائب کربلا و کرامات او و کتاب هایی که درباره اش نوشته شده ارائه دهد.

کلید واژه ها: رقیه، امام حسین، کربلا، اسلام، دمشق.

---

\* طلبه سطح ۲، حوزه الزهرا سلام الله علیها شیراز، ۰۹۳۳۵۱۸۰۸۴۷

## مقدمه

همان طور که روشن است تاریخ ادیان ، مخصوصا اسلام ، مملو از حب و بعض هاست و این عامل در ثبت وقایع تاریخی اثر بسیار زیادی داشته است پس امروز برای طالبان حقیقت ، لازم است پرده ها را کنار زده و وقایع تاریخی را واضح کنند از جمله مباحث تاریخی ، شخصیت های تاریخی هستند که در مورد آن ها اختلافاتی دیده می شود. به عنوان مثال ، حضرت رقیه سلام الله علیها که بعضی منکر وجود ایشانند و بعضی صد درصد ایشان را پذیرفته اند. لذا در این مجموعه به این بحث پرداخته شده، به امید آنکه حضرتش این تلاش ناچیز را از ما بپذیرد. گذشته از ترفندهایی که دشمنان شیعه بر جهت نفی وقایع تاریخی اهل بیت علیهم السلام وارد کرده اند بعضا برخی شباهات در بین شیعه نیز به چشم می خورد که متسافنه منشا آن نادانی و جهالت بوده و از همه بدتر منافقین و گمراهانی که در زیر لوای تشیع قصد تخریب و تشکیک پایه های اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله را دارند نمی دانند که ائمه و اولیای خدا هر کدام چراغ و سراجی هستند که خداوند برای روشنی راه ما انسان ها، برای ما در نظر گرفته است لذا آنان می خواهند این چراغ را خاموش کنند نمی دانند که :

هر آنکس پف کند ریشش بسوزد  
چراغی را که ایزد بر فروزد

لذا نیت های شوم و پلید خود را با جوسازی در جامعه ای اسلامی عملی می نمایند. بدیهی است که این توطئه ها از صدر اسلام تا کنون بوده و تعداد آن ها کم نیست به عنوان نمونه قضیه فدک و غصب حق حضرت زهرا سلام الله علیها ، تشکیک در واقعه ای شهادت آن حضرت و ... که قلوب علمای شیعه را جریحه دار نمود و آن ها را وادر به واکنش و پاسخ های دندان شکن نمود و اخیرا نیز شاهد شبهه هی جدید مبني بر عدم وجود مقدس بنت الحسين علیه السلام رقیه خاتون هستیم. و نفی وجود این بانوی خردسال در ایام شهادت سید و سالار شهیدان حضرت ابا عبد الله الحسين علیه السلام ، قلب شیعیان و محبان آن حضرت را جریحه دار نموده. در این مقاله بر آنیم تا به اثبات وجود نازدانه ای سید الشهدا علیه السلام که در طول اسارت خاندان آل الله علیه السلام به شهادت رسیدند پرداخته شود.

کتاب هایی که به این موضوع اشاره کرده اند :

از جمله کتاب ریحانه کربلا و کتاب کامل بهایی که نویسنده ای محترم آن بیشتر به بعد تاریخی و نقلی پرداخته اند و به ابعاد عقلی اشاره ای نکرده اند.  
کتاب نفس المهموم که نویسنده ای محترم آن کتاب هم به اختصار درباره وجود حضرت رقیه سلام الله علیه صحبت کرده اند.

این مقاله شامل چهار بخش می‌باشد که بخش اول آن را سعی کرده ایم از شخصیت کلی حضرت سخن بگوییم ، بخش دوم شامل اثبات تاریخی وجود مبارک حضرت است ، بخش سوم راجب اثبات عقلی وجود حضرت است و بخش چهارم نیز اختصاص به کرامت این بزرگوار دارد.

#### ۱-شخصیت شناسی

رقیه نام دختری از حسین بن علی علیه السلام است که در خرابه شام ، شبی پدرش امام حسین علیه السلام را در خواب دید و بیدار شد و از حضرت زینب سلام الله علیها پدرش را خواست. همه اُسرا در خرابه به شیون درآمدند و یزید آن ناله و گریه را شنید و سبب پرسید جریان را گفتند ، دستور داد سر امام علیه السلام را به خرابه بردند همین که روپوش سر مطهر را برداشتند ، چشم دختر به سر پدر افتاد و چنان بی تاب و دگرگون شد که از شدت گریه و اضطراب ، روح از تنش جدا گشت.(نیشابوری، ۱۳۹۸، ص ۳۴)

#### ۱-۱ نسب حضرت رقیه سلام الله علیها

پدر بزرگوار ایشان حضرت سید الشهداء اباعبدالله الحسین علیه السلام و مادرشان ام اسحاق می‌باشد که نامش حبوه است.

البته بانوان دیگری به عنوان مادر آن حضرت ذکر شده اند که دلیل محکمی برای آن ها در دست نیست. بعد از ولادت حضرت رقیه سلام الله علیها ام اسحاق مادر آن حضرت بیمار شد و دیری نپایید که از دنیا رحلت فرمود.(طبری، ۱۳۸۳، ص ۷۴)

#### ۱-۲ نام های دیگر حضرت رقیه سلام الله علیها

مرحوم شیخ علی فلسفی در کتاب حضرت رقیه سلام الله علیها می‌گوید: اسم او علی المشهور حضرت رقیه است چون در حدود بیست کتاب مشاهده کرده ام که اسم او را رقیه نوشته اند و بعضی نوشته اند: این نازدانه ... اسمی مختلفی داشته است. (فلسفی، ۱۳۹۰، ص ۲۴) از همین رو است که در بعضی کتب ، نام دختر مدفون در شام را رقیه و بعضی زبیده و بعضی زینب و گاهی فاطمه ذکر کرده اند ، چنان که در مرثیه منصوب به حضرت زینب کبرا علیها سلام تعبیر فاطمه صغیره آمده که احتمالاً منظور حضرت رقیه سلام الله علیها می‌باشد. (نیشابوری، ۱۳۹۸، ص ۳۶)

#### ۱-۳ کلمه رقیه در لغت

کلمه رقیه مانند سمیّه در ادبیات عرب ، اسم مُصَغَّر است. ریشه اصلی آن (رقی) به معنای بالا رفتن و صعود و کلمه (رُقیه) به معنای دعا و تحویذ و آنچه برای حصول امری یا حفظ و نگهداری به کار می‌برند است. گویا عرب نام رقیه را بر دختران خود می‌گذاشتند تا آن را به فال نیک گیرند و

دختر به سلامت و به دور از آفات و چشم زخم و ... رشد کند و بزرگ شود. ( نیشابوری ، ۱۳۹۸ ، ص ) ۳۰

#### ۴- سابقه نام رقیه

بنی هاشم و بستگان آن ها و عرب ها به این نام عنایت داشته اند. از این رو است که دختران زیادی را می بینیم که به این نام ، نامیده شده اند. برای نمونه به ذکر چند تن از آن ها اکتفا می کنیم :

۱- یکی از دختران هاشم ، جد سوم پیامبر صلی الله علیه و آله رقیه نام داشته است. او عمه رسول خدا است.(اشرف حسینی، ۱۳۹۷، ص ۹۴)

۲- یکی از دختران هاله ، خواهر حضرت خدیجه سلام الله علیها رقیه نام داشت.(تهرانی، ۱۳۹۹، ص ۳۲)

۳- رقیه دختر امیرالمؤمنین علیه السلام که همسر حضرت مسلم بن عقیل علیه السلام بوده و مادرشان صهباء همسر امیرالمؤمنین بوده است.(قمی، ۱۳۱۸، ص ۷۵)

۴- در برخی کتاب ها آمده که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت زهرا سلام الله علیها دختری به نام رقیه داشته اند که در کودکی از دنیا رفته است.(نیشابوری، ۱۳۹۸، ص ۵۰)

۲- اثبات وجود حضرت رقیه سلام الله علیها از منظر تاریخ

۱- اثبات تاریخی وجود مقدس حضرت رقیه از منظر شیعه

یکی دیگر از دلایل ما جهت اثبات وجود مقدس علیا مخدره حضرت رقیه سلام الله علیها به ذکر مستندات تاریخی است که خود دلیل بسیار محکمی برای مدعای ماست. البته امکان دارد در مستندات تاریخی که ذکر می شود در اسم شریفshan اختلاف وجود داشته باشد ، ولی در این صورت هم مشکلی پیش نمی آید بلکه وجود آن حضرت را قوی تر نیز می نماید ، چون اگر امام حسین علیه السلام دختر خردسالی با این مشخصات نداشتند اختلافی هم در نام ایشان به وجود نمی آمد ، همین اختلاف نظر در نام حضرت خود دلیلی بر وجود مقدس ایشان است علاوه بر اینکه مدارک دیگری وجود دارد بر اینکه مثلا فاطمه صغیری همان دختر چهار ساله ای امام حسین علیه السلام می باشد. در ذکر منابع تاریخی هم به منابع شیعه و سنی استناد خواهیم کرد که دیگر هیچ جای شک و شباهه نباشد ان شاء الله.

منابع شیعه

الف ) نقل ابی محنف در مقتلش :

«ثم نادی يا ام كلثوم و يا زينب و يا سكينه و يا رقیه و يا عاتکه و يا صفیه عليکن منى السلام فهذا آخر الاجتماع وقد قرب منكم الافتجاج الى آخر .....»

امام علیه السلام صدا زندن: ای ام کلثوم، ای زینب، ای سکینه، ای رقیه، ای عاتکه، ای صفیه خدا حافظ این آخرین اجتماع است مصیبت بر شما نزدیک شده است.

اما برای اینکه اعتبار نقل مقتول ابی مخنف بر خوانندگان روشن شود به معروفی این نویسنده بزرگ می‌پردازیم.

ابو مخنف لوط بن یحیی از خاندان بنام آل مخنف بن سلیم است او یکی از تاریخ نویسان بزرگ اسلام است که در زمان امام صادق علیه السلام می‌زیسته است. کتاب‌های فراوانی که از این مرد باقی مانده است نشان دهنده‌ی سیطره‌ی اطلاعاتی اوست در تعریف از او این تعبیر را آورده‌اند: «شیخ اصحاب الاخبار و وجههم و کان یسكن الى ما يرويه».

یعنی: ابو مخنف استاد تاریخ نویسان کوفه و سرآمد آن‌ها بوده است و منقولاتش مورد اطمینان افراد بوده است. از ابی مخنف در بخش‌های مختلف تاریخ شیعه حدود سی کتاب به دست ما رسیده که مربوط به ارتداد بعد از پیامبر و شهادت حضرت زهرا سلام علیها و جنگ‌های امیرالمؤمنین علیه السلام و شهادت آن حضرت و نیز گرفتاری‌های شیعیان در زمان زیاد و ابن زیاد و حجاج و همچنین کسانی که پس از شهادت امام حسین علیه السلام قیام نمودند از قبیل: مختار و توابین و امثال این‌ها. کسی که در تمام وقایع بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله تا زمان خودش کتاب‌هایی نوشته باشد که این کتاب‌ها به دست شیخ طوسی و نجاشی رجالی معروف رسیده باشد. مقام او بسیار عالی محسوب می‌شود. خاندان او هم از ابتدای جزء اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام بوده‌اند و جد بزرگش نیز مخنف ابن سلیم از اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام است که خود ابو مخنف کتابی در مورد خاندانش نوشته است.

از آن جایی که چون ابی مخنف تاریخ نویس مشهوری بوده، شیعه و سنی قسمت‌های زیادی از تاریخ را از وی نقل کرده است، از آن جمله اند:

۱- شیخ طوسی(ره) تمام کتب ابی مخنف را در اختیار داشته و به این اسناد از او نقل کرده است: «خبرنا احمد بن عبدون و الحسین ابن عبیدالله جمیعاً عن ابی بکر الدوری عن القاضی ابوبکر احمد بن کامل عن محمد بن موسی بن حماد عن ابی السری محمد قال حدثنا هاشم بن محمد الكلبی عن ابی مخنف»

۲- شیخ ابوالعباس نجاشی(ره) نیز بعضی مطالب را از کتب او نقل کرده و طریق او چنین است: «خبرنا احمد بن علی بن نوح قال حدثنا عبدالجبار بن سیران ساکن به نهر خطی قال حدثنا محمد بن ذکریا بن دینار الغلابی قال حدثنا عبدالله بن الصحاک المرادی قال حدثنا هشام بن محمد السائب الكلبی عن ابی مخنف لوط بن یحیی»

۹- دلیل دیگری را که ما به عنوان دلیل عقلی استفاده می‌کنیم، شهرت می‌باشد. وقتی که مطلبی بین عده‌ای از علماء شهرت پیدا کند تمام عقلاً حکم به وجودش می‌کنند علمای ما به هیمن که یک نفر یا دو نفر یک چیزی را نقل کنند نمی‌گویند که شهرت است و بلکه باید متعدد باشند و در زمان‌های مختلف باشد که شهرت شود و بشود به آن استناد کرد. و رد آن را حمل بر عناد و بی‌معرفتی و بی‌سوانح شخص می‌نمایند و نمی‌توانیم ما به گفته یک نفر یا دو نفر شهرت علماء را بهم بزنیم و اعتنایی به آن نکنیم. و همچنین نه تنها اگر کسی به این مطلب یا مانند این که عده‌ای از علماء اجماع داشته باشند عمل کند او را رد نمی‌کنند، بلکه تحسین نیز می‌کنند. برای تایید مطلب فوق به کلام مرجع فقید و عالم صمدانی و جامع الشرایط شیعه، حضرت آیت‌الله میرزا جواد تبریزی(ره) استناد می‌نماییم: «یادگیری احکام شرعی و فراغیری مسائل فقهی از برترین کارهاست شما می‌دانید که راجع به ثبوت موضوعات خارجی حدودی وجود دارد و در همه یا بیشتر آن‌ها باید بینه اقامه گردد، ولی در پاره‌ای از امور خارجی مجرد شهرت آن‌ها برای ثبوتشان کافیست و نیازی به اقامه‌ی بینه یا چیز دیگری نیست. مثل آنکه کسی زمینی را بخرد و پس از آن به وی گفته شود که این زمین وقف بوده است. از امام علیه السلام در مورد حکم این مسئله سوال شد حضرت علیه السلام فرمودند: اگر بین مردم مشهور باشد که این زمین وقف است، خرید آن جایز نیست. از همین قبیل است حدود منی و مشعر که حدود منی و عرفات با شهرت ثابت می‌شود و همچنین مقابر. ممکن است کسی دویست سال پیش در جایی دفن شده باشد و الان کسی ندیده باشد فلان شخصی در آن مکان دفن شده، ولی بین مردم مشهور است که آن مکان محل دفن فلان شخص است. همین شهرت برای اثبات اینکه آن جا محل دفن فلان شخص می‌باشد، کافیست و مزار کنونی حضرت رقیه سلام الله علیها در شام از اول مشهور بوده است. مثل تخت جمشید که هیچ کسی آن را ندیده است ولی چون شهرت بوده است برای آن هم ماقت هم درست کرده‌اند، و همه برای دیدنش می‌روند و کسی هم در وجود آن کس شبه نکرده است.

۴- کرامات حضرت رقیه سلام الله علیها

۱- زن فرانسوی

تسلی زن فرانسوی به حضرت رقیه سلام الله علیها

حجه الاسلام و المسلمين آقای حاج شیخ محمد مهدی تاج لنگرودی الواقع(ره) اینگونه نقل کرده‌اند که زن فرانسوی به حرم حضرت رقیه سلام الله علیها آمد و دو قالی گرانبها را به عنوان هدیه به آستانه‌ی مقدسه‌ی حضرت رقیه سلام الله علیها آورد مردم می‌دانستند که او زنی است فرانسوی و

غیر مسلمان به همین خاطر از کار او شگفت زده شدند و با خود گفتند چه چیز باعث شد که یک زن غیر مسلمان به اینجا بیاید و هدیه‌ای قیمتی با خود بیاورد.

به همین خاطر علت این کار را از او پرسیدند او گفت: همانگونه که می‌دانید من مسلمان نیستم هنگامی که از فرانسه به عنوان ماموریت به اینجا آمدم در خانه‌ای در کنار حرم حضرت رقیه سلام الله علیها مسکن گزیدم شب اول به محض اینکه خواستم استراحت کنم صدای گریه‌ای را شنیدم، آن صداها ادامه داشت و قطع نمی‌شد من سوال کردم این صدای گریه از کجا می‌آید؟ به من گفتند: این گریه‌ها از کنار مزار دختری است که در همین نزدیکی‌ها به خاک سپرده شده. من فکر کردم که آن دختر به تازگی مرده و این صدای گریه‌ی پدر و مادرش است که در مرگ او نوحه‌سرایی می‌کنند، اما به من گفتند الان بیش از هزار سال است که از شهادت و خاکسپاری اش می‌گذرد. من بسیار تعجب کردم. با خود گفتم چرا مردم با گذشت صد ها سال هنوز اینگونه به این دختر ارادت می‌ورزند؟! بعد ها برایم معلوم شد که این دختر با دخترهای معمولی فرق داشته است. او دختر امام حسین علیه السلام است که پدرش به دست مخالفین و دشمنان به شهادت رسید و فرزندش را به اینجا که پایتخت یزید ملعون بوده به اسارت آورده‌اند و این دختر در همین جا از فراق و دوری پدر جان سپرد و در همین مکان به خاک سپرده شد. بعد از این ماجرا روزی به حرم حضرت رقیه سلام الله علیها آمدم. دیدم که مردم عاشقانه از هر سوی به این حرم می‌آیند و هدیه می‌آورند و به حضرت رقیه سلام الله علیها متول می‌شوند محبت حضرت به حدی در دلم جای گرفته بود که علاقه‌ی زیادی به او پیدا کرده بودم بعد از مدتی مرا به خاطر زایمان به زایشگاه بردند بعد از معاینه به من گفتند کودک شما غیر طبیعی به دنیا خواهد آمد و ما ناچاریم تو را عمل کنیم. من به محض شنیدن نام عمل جراحی فهمیدم در دهان مرگ قرار گرفتم با خود گفتم خدایا چه کنم؟ ناراحتم، گرفتارم. چه کنم؟ چاره چیست؟ با خود اندیشیدم که دیگر چاره‌ای جز توسل ندارم ناچار دست خود را به سوی بی‌بی سه ساله‌ی امام حسین علیه السلام دراز کردم و گفتم خدایا به حق این دختر که در اسارت کتک و تازیانه خورده و به حق پدرش که امام بر حق و نماینده‌ی پیامبر تو بود و او را مظلومانه به شهادت رساندند قسمت می‌دهم مرا از این ورطه‌ی هلاکت نجات بده. سپس حضرت رقیه سلام الله علیها را مخاطب قرار داده و به ایشان گفتم: اگر از این ورطه‌ی هلاکت نجات یابم دو قالیچه‌ی گرانبهای به این آستانه هدیه می‌کنم. خداوند خود شاهد است که بعد از نظر کردن و متول شدن به حضرت طولی نکشید که بر خلاف انتظار پزشکان و متصدیان زایمان ناگاه فرزندم به صورت طبیعی دنیا آمد و من از مرگ نجات یافتم. اینک به عهد خود وفادارم و قالیچه را تقدیم این آستان می‌کنم. (عزیزی، ۱۳۸۸، ص ۲۳۳)

به آسمان رود و کار آفتاب کند

به ذره گر نظر لطف اینجانب کند

## ۴-۲ اسلام آوردن یهودی

حجت‌الاسلام و المسلمين محمود شريعت زاده فرمودند: روزی وارد حرم حضرت رقیه سلام الله علیها شدم دیدم عده‌ای مقابل ضریح مقدس مشغول زیارت خواندن و عزازداری می‌باشند مداح با اخلاصی به نام حاج نکویی مشغول روضه‌خوانی بود از او شنیدم که می‌گفت: خانه‌های اطراف حرم حضرت رقیه سلام الله علیها را برای توسعه‌ی حرم مطهر خریداری می‌کردند یکی از مالکین خانه‌ها که یهودی یا نصرانی بود به هیچ وجهی حاضر نبود که خانه‌ی خود را برای توسعه‌ی حرم بفروشد. خریداران حاضر شدند خانه‌ی او را حتی دو برابر و نیم قیمت‌ش خریداری کنند ولی او نفروخت بعد از مدتی زن صاحب خانه حامله شد و زمان وضع حملش نزدیک شد او را نزد پزشک معالج بردند. پزشک بعد از معاينه گفت: مادر و بچه هر دو در معرض خطرند، خانم باید زیر نظر ما باشد آن‌ها قبول کردند تا لحظه‌ای درد زایمان شروع شد. صاحب خانه می‌گوید: همسرم را به بیمارستان بردم و خود بازگشتم هنگام بازگشت کنار درب حرم حضرت رقیه سلام الله علیها آمدم و به آن حضرت متول شدم و گفتم اگر همسر و فرزندم را نجات دادی و شفای آن‌ها از خدا خواستی من خانه‌ام را به تو هدیه می‌کنم مدتی مشغول توسل بودم. سپس به بیمارستان رفتم دیدم همسرم بر روی تخت نشسته و بچه‌ی سالمی در در بغل دارد. همسرم به من گفت: کجا رفتی؟ گفتم جایی رفتم کار داشتم همسرم گفت نه تو رفتی به دختر ابی عبدالله الحسین علیه السلام متول شدی. من گفتم تو از کجا میدانی؟ گفت: در حال زایمان بودم گاه از شدت درد بی‌هوش می‌شدم و گاه از شدت درد به هوش آمدم در این هنگام بی‌بی با عظمت را دیدم که وارد اتاق بیمارستان شد. او به من گفت: ناراحت نباش ما سلامتی تو و بچه‌ات را از خدا خواسته‌ایم فرزند شما پسر است. سلام مرا به شوهرت برسان و به او بگو که نام پسرش را حسین بگذارد من به آن دختر بچه گفتم نام شما چیست؟ او فرمود رقیه سلام الله علیها دختر سید الشهداء علیه السلام هستم. بعد از اینکه روضه‌خوانی تمام شد من به حاجی نیکویی گفتم شما این داستان را از چه کسی نقل می‌کنید؟ او پاسخ داد: از خادم حضرت رقیه ع. او خود اهل تسنن است و افتخار خدمت گزاری در حرم نازدانه‌ی امام حسین علیه السلام را دارد پدر او نیز از خادمان حرم بوده‌است. (ربانی خلخالی، ۱۳۸۳، ص ۲۸۱)

حال با این دو کرامت که هر دو در مورد غیر مسلمانان می‌باشند، عقلاً جایز است که وجود نازنین آن حضرت را انکار نماییم؟! در پایان این بخش به عمه جان امام زمان علیه السلام عرض می‌کنم: کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست که تر کنم سر انگشت و صفحه بشمارم

## نتیجه گیری

وجود مبارک حضرت رقیه را از جنبه‌های متعددی مورد بررسی قرار دادیم؛ و در جواب تشکیک کنندگان، براهین تاریخی و استدلالی بسیاری بیان کردیم از جمله یکی از این براهین، بارگاه مقدس حضرت رقیه سلام الله علیها در شهر شام است که نشان دهنده وجود مبارک آن حضرت می‌باشد، و همچنین در ادلہ عقلی بیان کردیم که نفی مخالفین خود دلیل واضحی است بر وجود ذی الوجود حضرت رقیه سلام الله علیها و مفصل در ادلہ نقلي اسنادی را که اشاره به وجود مقدس حضرتش داشتنند چه در کتب عامه و خاصه بیان کردیم. پس با توجه به مطالبی که بیان شد هیچ شک و شبهه ای در وجود مبارک این ناز دانه امام حسین علیه السلام باقی نمی‌ماند. و در آخر باید اشاره ای کنیم به کلام الهی که می‌فرماید: *بِرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمٌّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهُ الْكَافِرُونَ*. ترجمه: می‌خواهند نور خدا را با دهان هایشان خاموش سازند ولی خداوند جز این نمی‌خواهد که نور خود را به کمال برساند هر چند کفار ناراحت باشند. (آیه ۳۲ سوره مبارکه توبه)

زيارتname حضرت رقیه سلام الله علیها

السلامُ عَلَيْكِ يا سَيِّدَتَنَا رُقَيَّةُ، عَلَيْكِ التَّحِيَّةُ وَالسَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ.

السلامُ عَلَيْكِ يا بِنَتَ خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

السلامُ عَلَيْكِ يا بِنَتَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ.

السلامُ عَلَيْكِ يا بِنَتَ فَاطِمَةَ الْزَّهْرَاءِ سَيِّدَهُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ.

السلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ خَدِيجَةَ الْكَبِيرِ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ.

السلامُ عَلَيْكِ يا بِنَتَ وَلَيِّ اللهِ.

السلامُ عَلَيْكِ يا بِنَتَ وَلَيِّ اللهِ.

السلامُ عَلَيْكِ يا بِنَتَ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ.

السلامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الصِّدِيقَةُ (الشَّهِيدَةُ)

السلامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الرَّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ.

السلامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ.

والسلام عليکم و رحمه الله و برکاته

## منابع و مأخذ

۱- ابن شهر آشوب، ابو جعفر، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، تهران، ذوی القریبی، ۱۳۷۹،

۲- اسماعیلی بزدی، عباس، سحاب رحمت، قم، دلیل ما، ۱۳۷۷

- ۳- بحرانی، سید هاشم، مدینه المعاجز، قم، موسسه معارف الاسلامیه، ۱۴۱۳
- ۴- خراسانی، ملا هاشم، منتخب التواریخ، تهران، اسلامیه، ۱۳۷۶
- ۵- دربندی، ملآقا، اسرار الشهاده، قم، ذوی القربی، ۱۲۸۵
- ۶- ربانی خلخالی، علی، زندگانی حضرت رقیه، قم، لاهوتیان، ۱۳۸۶
- ۷- زجاجی کاشانی، مجید، ودیعه کربلا حضرت رقیه بنت الحسین علیه السلام، تهران، آوای سبحان، ۱۳۸۷
- ۸- شوشتاری، شیخ جعفر، الخصائص الحسینیه، قم، انوار الهدی، ۱۳۸۰
- ۹- طبری، عماد الدین، کامل بهایی، تهران، مصطفوی، ۱۳۸۳
- ۱۰- عزیزی، عباس، ۲۰۰ داستان از کرامات و مصائب حضرت رقیه سلام الله علیها، قم، معصومین علیه السلام، ۱۳۸۵
- ۱۱- عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۳
- ۱۲- فلسفی، شیخ علی، حضرت رقیه سلام الله علیها، مشهد، چاپخانه خراسان، ۱۳۹۳
- ۱۳- قمی، شیخ عباس، نفس المهموم، قم، وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۴۱۲
- ۱۴- قمی، شیخ عباس، هدیه الاحباب، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳
- ۱۵- مازندرانی، شیخ مهدی، شجره طوبی، قم، طلیعه نور، ۱۳۸۵
- ۱۶- محمدی اشتهاردی، محمد، سرگذشت جانسوز حضرت رقیه، تهران، مطهر، ۱۳۷۵
- ۱۷- مدرس، محمدعلی، ریحانه الادب، تبریز، شفق، ۱۳۸۰
- ۱۸- موحدابطحی، علی، خورشید خرابه شام، قم، حبل المتین، ۱۳۸۱
- ۱۹- موسوی، سید رضا، سوگنامه دردانه حسینی علیه السلام، مشهد، دانش شرقی، ۱۳۸۵
- ۲۰- نیشابوری، عبدالحسین، ریحانه کربلا، قم، طوبای محبت، ۱۳۹۸